

۶

بوستان‌های محلی
خیابان شهید فلاحی ۳۸
بسیاری از مشه‌دی‌ها را
به سکونت در این محله
ترغیب کرده است

**خیابان
شهیدسنجرائی
نشان سبز
قاسم‌آباد**



۷

امانت‌خدا را به اهلش رسانده‌ایم

۸

خط‌کشی عابر پیاده و سرعت‌کاه کافی نیست

کوک‌پرکت به تن زندگی

روایت کارگاه دوزندگی کبری جهانگیری که دست خیرش، زندگی آدم‌های پردغدغه را می‌چرخاند

۵۴

درخواست اهالی محله زکریا برای نام گذاری کوچه‌ای به نام شهید محمد مهاجر مبنای نام گذاری، رضایت خانواده شهید است



نجمه موسوی کاهانی | خیابان شهید مصطفی عارفی که به میدان آبشار و ورودی کوه پارک منتهی می‌شود، سه سال قبل نام گذاری شد. یک سمت خیابان، شماره‌های فرد قرار دارد و در سمت دیگر که شماره‌های زوج است، فقط دو کوچه وجود دارد و بقیه مسیر را بوستان بزرگ آبشار در بر گرفته است. وارد خیابان شهید مصطفی عارفی ۲ که می‌شویم، کوچه‌های فرعی در دو سمت خیابان هیچ نام و نشانی ندارند و ساکنان آن‌ها برای نشانی دادن با مشکل روبه‌رو هستند. آن‌ها برای اسم کوچه‌شان، یک شهید را معرفی کرده‌اند، اما هنوز خبری از تابلوهای نام گذاری نیست.

● کوچه‌ها یمان بی نام و نشان است

سعید وحدتی نیش اولین کوچه فرعی، یک مغازه کوچک دارد. او می‌گوید: وقتی می‌خواهیم نشانی بدهیم، باید بگویم چندمین کوچه، چپ یا راست. برای مغازه که نیش فرعی قرار دارد، چندان مشکلی نداریم. خانه من در دومین کوچه سمت راست واقع است. اگر دقت کنید کوچه دوم سمت راست پشت یک پیچ قرار می‌گیرد که اصلا دید خوبی ندارد. با او تا خانه‌اش همراه می‌شویم. کوچه دوم و سوم پشت زمین‌های خاکی و مرتفع پنهان شده است و حتی اگر نام گذاری می‌شد، پیدا کردنش سخت بود. الان که بدون تابلوست، اصلا شک می‌کنیم که آیا اینجا کوچه‌ای وجود دارد یا نه. او با ناامیدی می‌گوید: بیشتر وقت‌ها هر قدر هم نشانی بدهیم، کوچه را پیدا نمی‌کنند. بیشترین مشکل هم وقتی است که بخوایم تاکسی اینترنتی بگیریم. راننده، زمان بسیاری را در کوچه سرگردان می‌شود. باید سر کوچه‌ها تابلویی باشد که مشخص کند مثلاً اینجا کوچه شهید عارفی ۲/۱ است. در همه جای شهر این طور کوچه‌ها را با یک ممیز مشخص می‌کنند. از سمت بولوار نماز هم نمی‌توانیم نشانی بدهیم؛ چون این کوچه یک طرفه است و از بولوار نماز ورودی ندارد.

● شهید شرکت گاز را معرفی کرده‌ایم

مرضیه داوری، از خانم‌های مسجدی، برای نشانی دادن به مهمان‌هایش، از نشانی و تابلو مسجد کمک می‌گیرد. چند بار به خواهران بسیجی پیشنهاد کرده است که درخواست بدهند تا این کوچه هم به نام یک شهید مزین شود، اما پادرد این اجازه را به او نمی‌دهد که خودش پیگیر کار شود.

سه کوچه در سمت راست و سه کوچه در سمت چپ وجود دارد که هیچ تابلویی روی آن‌ها دیده نمی‌شود. مجتمع مسکونی کارمندان شرکت گاز در سومین ورودی سمت راست خیابان شهید عارفی ۲ قرار دارد. علی‌التوا خواه از ساکنان این مجتمع است. او می‌گوید: به شهرداری درخواست دادیم تا خیابان به نام شهید محمد مهاجر که از شهدای شرکت گاز است، نام گذاری شود. اما به ما گفته‌اند چون خانواده شهید در این خیابان ساکن نیستند، نمی‌توانند این نام گذاری را انجام دهند.

● الزامی ندارد خانواده شهید ساکن کوچه باشند

بارتیس اداره نام گذاری معابر و تابلونویسی شهرداری مشهد درباره درخواست اهالی این خیابان صحبت می‌کنیم. ناهید فریدنیایان می‌کند: درخواست مردم برای نام گذاری این معبر به نام شهید از نظر ما شایسته احترام است، اما رضایت خانواده شهید و نامه بنیاد شهید هم باید در کنار این درخواست وجود داشته باشد تا این اقدام قانونی باشد. او تأکید می‌کند: برخلاف گفته‌های برخی از اهالی، الزامی ندارد که برای نام گذاری خیابان یا معبری به نام شهید خانواده شهید در آن محل ساکن باشند و فقط رضایت آن‌ها کافی است؛ البته این موضوع را هم باید در نظر گرفت که اگر خانواده شهید در معبری ساکن باشند، ارتباط عاطفی‌ای که اهالی با نام کوچه‌شان برقرار می‌کنند، بیشتر خواهد بود.

منطقه

۹

منطقه

۱۰

والدین ۱۳۰۰ دانش آموز در بولوار خادم الشریعه درخواست نصب پل عابر پیاده را دارند خط کشی عابر پیاده و سرعت گاه کافی نیست



رضاریاخی | خیابان توس ۵۴ همان بولوار خادم الشریعه است. در این بولوار دبستانی قرار دارد که یک شیفت آن برای پسران است (دبستان بقیه... (ع) و نوبت دیگرش برای دختران (دبستان حاج حسین عرب). جدا از مشکلات متعددی که باهم درس خواندن دختران و پسران در یک مرکز آموزشی به بار می‌آورد و گلابه اولیا را به همراه داشته است، خطر دیگری هم دانش آموزان را تهدید می‌کند. نیمی از بچه‌ها بعد از تعطیلی باید از عرض بولوار خادم الشریعه عبور کنند تا به خانه‌هایشان برسند. احداث و جانمایی یک پل عابر پیاده حداقل درخواست مدیران این مدارس و والدین دانش آموزانی است که جان بچه‌هایشان هر روز در خطر است.

● شاید فردا شانس یار نباشد

به گفته مدیر دبستان پسرانه حضرت بقیه... (ع) هفتصد دانش آموز در شیفت پسرانه و ششصد دانش آموز در شیفت دخترانه این مرکز آموزشی تحصیل می‌کنند که بیشتر آن‌ها بعد از پایان ساعت درس، باید از عرض بولوار خادم الشریعه عبور کنند. آن‌ها از شهرداری انتظار دارند تا حادثه ناگواری اتفاق نیفتاده است، یک پل عابر پیاده در این مکان جانمایی و احداث کنند.

رضامیر شجاعان می‌گوید: بولوار خادم الشریعه، مسیر پررفت آمدی است. بولوار است که بزرگراه پیامبر اعظم (ص) را به بولوار توس متصل می‌کند و در شبانه روز، مسیر حرکت بسیاری از خودروهاست که برخی از آن‌ها متأسفانه با سرعت زیاد در این معبر تردد می‌کنند. به طوری که اکثر والدین نگران جان بچه‌هایشان هستند. زیاد آوری، مدیر دبستان دخترانه حاج حسین عرب، نیز نگران سلامت دانش آموزانش است. او در پاسخ به این سؤال که آیا تا به حال مورد جرحی و تصادف برای دانش آموزان اتفاق افتاده است یا خیر، جواب می‌دهد: بله، چندباری تصادف رخ داده اما خوشبختانه به خیر گذشته است و دانش آموزان با آسیب جدی روبه‌رو نشده‌اند. البته شاید فردا شانس با بچه‌ها یار نباشد.

● مسئولان خود را جای ما بگذارند

پدر یکی از دانش آموزانی که سال گذشته هنگام عبور از این بولوار با حادثه مواجه و زخمی شد، به شهرآرا محله می‌گوید: مسئولان محترم شهرداری و آموزش و پرورش، خود را جای ما فرزندانمان را جای بچه‌های ما بگذارند. او که دوست ندارد نامش را بیان کند، ادامه می‌دهد: جان بچه‌ها در خطر است؛ این شوخی نیست که به راحتی عرض کم بولوار را بهانه کنیم و بگویم امکان پذیر نیست!

● سازمان ترافیک موافقت نکرد

موضوع را با مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۱۰، مطرح می‌کنیم. احمد محمدی با بیان اینکه متولی نصب پل‌های عابر پیاده در سطح شهر، سازمان ترافیک شهرداری مشهد است، بیان می‌کند: سال گذشته مدیران این مدرسه و تعدادی از اولیای دانش آموزان، درخواستی را به امور ترافیک منطقه ارائه و نصب پل عابر پیاده را تقاضا کردند. ما هم با نظر مساعد، این درخواست را به سازمان ترافیک شهرداری مشهد ارسال کردیم اما با آن موافقت نشد. او به نقل از مدیران سازمان ترافیک می‌گوید: از این به بعد نصب پل عابر پیاده فقط در سطح بزرگراه‌ها انجام می‌شود و قرار است بعضی از پل‌های عابر پیاده که با استقبال اهالی روبه‌رو نشده، از بولوارها جمع شود. احمدی ادامه می‌دهد: با این حال مادست روی دست نگذاشتیم و برای ایمنی دانش آموزان این دبستان، اقداماتی همچون نصب علائم و تابلوهای ترافیکی، ایجاد سرعت گاه در دو سمت بولوار و خط کشی عابر پیاده انجام داده‌ایم.

منطقه ۹

هزار متر قلع بنا در ماهور

به منظور صیانت از حقوق شهروندان قانون مدار و بر اساس ضوابط و مقررات طبق هماهنگی با مراجع قانونی، رأی کمیسیون قلع چند واحد غیرمجاز به مساحت هزار متر مربع واقع در انتهای روستای ماهور در محدوده دلاوران به اجرا درآمد و از ساخت و ساز چندین واحد بدون استحکام بنا و غیرمجاز جلوگیری شد.

گفتنی است بر اساس ضوابط و قوانین، مالکان اراضی و املاک واقع در محدوده شهر و حریم آن باید قبل از هرگونه ساخت و ساز یا تفکیک و تغییر کاربری اراضی، از شهرداری مجوزهای لازم را اخذ کنند؛ در غیر این صورت شهرداری می تواند از اجرای عملیات ساختمانی فاقد یا مغایر با پروانه احداث بنا جلوگیری کند.

کارگاه آموزشی زیارت

کارگاه های آموزشی «نگرشی دیگر به زیارت» و «معرفت شناسی زیارت» ویژه شهروندان منطقه ۹ برگزار شد.

این کارگاه ها با رویکرد آموزشی و فرهنگ زیارت به صورت دوره ای در مساجد و با مشارکت معاونت گردشگری و زیارت شهرداری مشهد و اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه ۹ با حضور کارشناسان مذهبی در مساجد قدس، امام صادق (ع) و حجت بن الحسن (ع) برگزار شد.

سومین نشست کمیته نظارتی

سومین جلسه کمیته نظارتی شماره یک شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲ در شهرداری منطقه ۹ برگزار شد. در این نشست، حسن موحدیان رئیس شورای اسلامی، مهدی ناصحی و مجید دبیران از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد، سعید حسینی زاده مقدم شهردار منطقه ۹ و جمعی از رؤسای ادارات به منظور بررسی و رسیدگی به مشکلات مردمی در سالن جلسات این منطقه حضور داشتند.

نشست مدیران با مردم

نشست نماینده مشهد در مجلس با شهروندان محله خاتم الانبیا (ع) برگزار شد. این دیدار با حضور رؤسای اداره های آب، برق، گاز، مدیران دستگاه های اجرایی، سعید اکبری شهردار منطقه ۱۰ و نمازگزاران مسجد حضرت فاطمه زهرا (ع) خیابان شهید ثنائی ۳ واقع در خیابان توس ۶۴ برگزار شد. گفت و گوی رودررو با اهالی و دیدار با خانواده شهید مهدی نعیمی از دیگر برنامه های انصرا... پژمان فرد در این روز بود.

احداث زمین ورزشی

عملیات اجرایی پروژه احداث فضای ورزشی روباز محله استاد یوسفی به بهره برداری رسید.

این فضای روباز ورزشی ۳ هزار و ۱۶۰ متر مربع مساحت و اعتبار ۱۸ میلیارد ریال پیرو درخواست و نظرات شهروندان و شورای اجتماعی محله احداث شد. این مجموعه روباز ورزشی شامل زمین های ورزشی روباز والیبال، فوتسال، بسکتبال و... است.

منطقه ۱۰

۱۰

معتادان یادمی کندومی گوید: زیر پل ها و بین شمشادها درختچه های بولوارها و بزرگراه های منطقه، پاتوق این افراد است و سامان دهی معتادان کارتن خواب و معرفی به نیروی انتظامی، یکی از وظایف کارکنان اداره خدمات شهری است.

این مقام مسئول در پایان بیان می کند: جمع آوری ۱۳۸ دست فروش، مقابله با ۱۱۲ مورد سد معبر و پاک سازی یک میلیون متر مربع از اراضی رها شده، از دیگر فعالیت های اداره خدمات شهری در دو ماه ابتدای سال ۱۴۰۲ است.

است. به گفته او معضل چادرخوابی در روزهای منتهی به تعطیلات، در بزرگراه پیامبر اعظم (ص) به وفور اتفاق می افتد؛ زیرانی می از مسافران و زائران امام رضا (ع) از این مسیر به شهر مشهد مشرف می شوند. این افراد به کمک کارکنان اداره خدمات شهری به کمپ های استقبال از زائر هدایت می شوند.

حتی به موضوع جمع آوری معتادان کارتن خواب در محلات منطقه ۱۰ اشاره می کند. او از بزرگراه پیامبر اعظم (ص)، صدمتری، میدان امام علی (ع) و میدان امام حسن (ع)، به عنوان پاتوق اصلی

زباله از در منازل جمع آوری شده است. مهدی حتی می گوید: علاوه بر زباله، روزانه ۲۸ تن ضایعات و نخاله و سرجارواز سرتاسر سطح منطقه ۱۰ جمع می شود که بیشتر مربوط به زمین های رها شده حاشیه شهر است.

مهدی حتی بیان می کند: بخشی از تماس های سامانه ۱۳۷ مربوط به جمع آوری سگ های ولگرد است و از ابتدای امسال، هشتاد قلاده سگ جمع شده است. همچنین ۴۲ مورد جمع آوری چادرخوابی در بزرگراه پیامبر اعظم (ص) انجام شده

رضا ریاحی | با توجه به جمعیت ۳۲۵ هزار نفری منطقه ۱۰، هر شهروند ساکن این منطقه، در روز ۴۲۰ گرم زباله تولید می کند. این آمار و ارقام در مشهد برای هر شهروند، ۵۹۰ گرم است؛ این یعنی شهروندان منطقه ۱۰ از میانگین هر شهروند مشهدی، کمتر زباله تولید می کنند.

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ ضمن اعلام این خبر، از فعالیت پانصد نیروی کار در اداره خدمات شهری منطقه می گوید و ادامه می دهد: در شصت روز ابتدای امسال در حدود ۸ هزار و ۵۰۰ تن

اهالی منطقه ۱۰ به طور متوسط از سایر مشهدی ها کمتر زباله تولید می کنند

جمع آوری ۸ هزار و ۵۰۰ تن زباله در ۶۰ روز



۳۰ جوان محله اقبال

فاصله ۱۶ کیلومتری محله تا حرم راکاب زدند

آغاز پیام مهر از مسجد الاقصی



رضار ریاحی | در هفته ای که گذشت، هم زمان با سالگرد ارتحال ملکوتی بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ع)، همایش دو چرخه سواری نوجوانان و جوانان انقلابی محله اقبال با عنوان «پیام مهر» برگزار شد. در این روز، سی جوان محله اقبال با دو چرخه های سبزی که به همت اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹ در اختیار داشتند، مسیر شانزده کیلومتری خیابان اقبال در بولوار وکیل آباد تا حرم مطهر رضوی راکاب زدند.

● استقبال جوانان از برنامه های فرهنگی

میلا نورانی، عضو جوان شورای اجتماعی محله اقبال، با اشاره به اینکه شورای اجتماعی این محله، برگزارکننده همایش فرهنگی بود، بیان کرد: این همایش گامی بزرگ برای ایجاد روحیه و نشاط عمومی در جوانان محله است. در حقیقت برگزاری این اقدامات فرهنگی و اجتماعی، نشان از آن دارد که

حرکت های خودجوش مردمی، همچنان ارزشمند است و مورد اقبال عمومی جامعه قرار می گیرد.

او از اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹ به عنوان پشتیبان این حرکت فرهنگی و مردمی نام برد و گفت: در ایام دهه کرامت و سالروز ارتحال امام خمینی (ع) با اینکه شهرداری برنامه های متنوعی داشت و سرشان حسابی شلوغ بود، با ما هم خوب همکاری کردند و دو چرخه ها را در اختیارمان قرار دادند.

وی افزود: مبدأ راکاب زنان دهه هشتادی و دهه نودی محله اقبال، مسجد الاقصی بود و تا مقصد حرم مطهر رضوی راطی دو ساعت راکاب زدند.

عضو شورای اجتماعی محله اقبال گفت: متأسفانه در شهر و محله ما مشکلاتی همچون اضافه وزن، فشار خون و دیابت افراد و افزایش ذرات معلق آلوده در هوا روبه افزایش است؛ بنابراین نگاه ما به حمل و نقل یادو چرخه برای حفظ سلامت است و امیدواریم این گونه همایش ها ادامه داشته باشد.

روایت کارگاه دوزندگی کبری جهانگیری
که دست خیرش، زندگی آدم‌های پردغدغه‌رامی چرخاند

کوک برکت به تن زندگی

آرتاحسین زاده عطارا صدای رفت و برگشت سریع سوزن چرخ‌های صنعتی، موسیقی همیشگی کارگاه کبری جهانگیری در محله خاتم‌الانبیاء^(ع) است. مسئول این کارگاه دوزندگی خودش مستأجر است و سه دختر هفده، یازده و شش ساله دارد؛ با وجود این کارگاه را طوری اداره کرده است که برای کار تمیز دوزندگان همیشه مشتری دست به نقد پیدامی شود و بعد از هر روز کاری دستمزد همه روی طاقچه است.

کبری خانم حدود پانزده سال است دنیا پیش شده طراحی و پارچه و لباس و دوخت و دوز. اوسال هاست که برای خود اشتغالی بانوان تلاش می‌کند و بسیاری از هنرآموزانش در این مسیر به خودکفایی مالی رسیده‌اند. اکنون بیشتر از پانزده نفر در کارگاه خانگی اش برای او کار می‌کنند و تعداد زیادی هم با همراهی او برای خودش کارگاه تولیدی راه انداخته‌اند.

دوزندگان کبری خانم هر کدام دغدغه‌های ریز و درشتی در زندگی‌شان دارند؛ یکی جهیز به دخترش را قرار است از همین کارگاه جور کند. آن یکی با اینکه بیست سال بیشتر ندارد، خرج مادر بیمارش را می‌دهد و یکی دیگر هم دختر کم سن و سال خانم جهانگیری است که از یک سال پیش که هنوز پایش به بدال چرخ نمی‌رسید، پای آن نشسته و الان تبحرز یادی در دوخت و دوز پیدا کرده است.

خبر کار آفرین محله خاتم‌الانبیاء^(ع) این روزها ایده افتتاح یک کارگاه خیاطی خاص خانم‌های بی سرپرست و بدسرپرست را در سر می‌پروراند و آن را با سیخ محله در میان گذاشته است؛ ایده‌ای که همین روزهاست که تحقق یابد و نانی از توسعه کارگاه او بر سر سفره چند خانواده دیگر هم برود. زندگی کبری خانم و دوزندگان سرتاسر درس است.

منطقه

۱۰



● با جازو دزدن کارگاه شروع کردم

هشت خواهر و برادر بودند در شهرستان شیروان با پدری که کشاورز و کارش فصلی بود و مادری که خانه‌داری می‌کرد. زندگی می‌کردند. همه فرزندان بدون اینکه چشم به دست پدر داشته باشند تا چرخ زندگی‌شان بچرخد. به پختگی خاصی رسیده بودند. آن‌ها برای خود کار پیدامی کردند و هزینه دانشگاه و جهیز به‌شان را هم از دسترنج خودشان می‌دادند. گلیم بافی و فرش بافی و هنرهای از این دست، پیشه دختران خانواده بود و دست در جیب خودشان داشتند.

کبری خانم دختر بزرگ تر بود و استقلال مالی داشت. از بیست و دو سالگی به سراغ هنر خیاطی رفت و اکنون هر هنری را که به پارچه و لباس و دوخت و تزیینات و طراحی آن ارتباط دارد. استادانه بلد است. در باره شروع کارش در کارگاه خیاطی این گونه بیان می‌کند: به کارگاه خیاطی رفتم. اما اول، به جای چرخ خیاطی، جارو و خاک انداز دستم دادند و گفتند: تووردستی. باید خرده پارچه‌ها و نخ‌ها را جمع می‌کردم اما همیشه آرزو داشتم پای یکی از آن چرخ‌ها بنشینم و مثل بقیه خیاطی کنم.

از یکی از خانم‌های خیاطا اجازه گرفته بود که وقت ناهار که همه برای صرف غذا می‌رفتند، برای چند دقیقه‌ای پای چرخ او بنشینم. این پای چرخ نشستن

همان و کوک خوردن کل زندگی‌اش تا امروز به چرخ خیاطی و نخ و دوک و ماسوره همان.

● عزیز کارگاه شدم

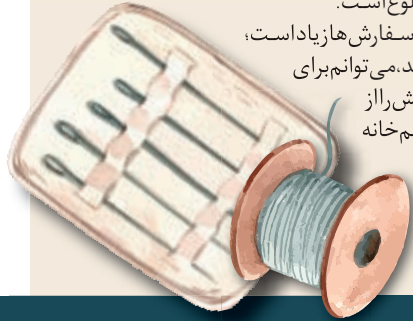
چند ماهی از نشستن‌های پنهانی پای چرخ و دوخت و دوز می‌گذشت تا یک روز به مسئول کارگاه گفت: خانم من هم بلام با چرخ کار کنم. می‌گذارید پای چرخ بنشینم؟ وقتی مسئول کارگاه، ظرافت و تمیزی کارش را دید، به او اجازه داد که در زمان استراحت بچه‌ها و وقت ناهارشان، به دوخت و دوز بپردازد. مسئول کارگاه این بار به او نگفت که «تووردستی و نباید پای چرخ بنشینم». به جایش گفت: آفرین که نشسته‌ای پای چرخ بچه‌ها و با همان تجربه‌های اندک این قدر تمیز و ظریف کار می‌کنی. خودش تعریف می‌کند: خیلی زود راه افتادم. هشت ماه آموزش دیدم و بعد هم شروع کردم به کار. می‌دانید باید اهلش باشی تا دستت به کار بچسبید، وگرنه از بقیه عقب می‌افتی و به قول معروف، کارت سکه ندارد. بعد از آنکه مسئول کارگاه دید خیاطی را آموخته‌ام و می‌تواند کارم را با ضمانت کیفیت به مشتری بدهد، عزیز خودش و کارگاه شدم. بعد از مدتی خواهرانم را هم به کارگاه آوردم؛ چون صاحب کار می‌گفت: وقتی خودت این قدر خوب می‌دوزی، کار را به خواهرانت هم یاد بده؛ حتماً آن‌ها هم استعدادش را دارند. ما شش خواهر هستیم که همه در خیاطی مهارت و استعداد داریم.



● می توانم برای ۵۰ نفر دیگر کار آفرینی کنم

کبری جهانگیری زمانی تصمیم گرفت کارش را توسعه بدهد و کارگاه های خانگی راه اندازی کند. درست در همان سال هایی که همه سرمایه شان را در بورس گذاشته و به عبارتی ورشکست شده بودند، با همت و اراده، دست روی زانو گذاشتند و از جایشان بلند شدند. کبری خانم می گوید: دو سال پیش بود. باید همه چیز را از نو می ساختیم. بعضی وسایل را برای تجهیز کارگاه خانگی کم داشتیم. این شد که بعد از ۱۰ سال کار برای دیگران در خانه، بازده چرخ خیاطی قسطی خریدم تا کارگاهی برای خودم داشته باشم.

کبری خانم این کارگاه را در طبقه پایین منزلش راه می اندازد و حدود ۱۰ نفر در آن، مشغول فعالیت می شوند، خانم هایی که هر کدام روایت زندگی خاصی دارند و حقوقشان نان چند نفر دیگر را هم می دهد. کارگاه خیاطی کبری جهانگیری در محله خاتم الانبیا^(ع) از همه جای شهر مشتری دارد. او خوش قول است و لباس هایی که می دوزد، تن پوش خوبی دارند و حسابی سرشان شلوغ است. کبری خانم می گوید: با اینکه کارگاه ما نوپاست، درآمد خوبی دارد و سفارش ها زیاد است؛ آن قدر که با سفارش های فعلی که روزی تا دو بیست شلوار هم می رسد، می توانم برای پنجاه نفر دیگر هم کار آفرینی کنم. فقط باید وامی جور شود و اقساطش را از سود کارمان پرداخت کنم. این وام را هم برای این می خواهم که بتوانم خانه و کارگاه فعلی را از صاحب خانه که بسیار منصف است، خریداری کنم و کارگاه فعلی را توسعه دهم. اقساط چرخ های دیگر هم تا دوسه ماه دیگر تمام می شود.



● حقوق های اولمان را به پدر می دادیم

بیست سال پیش، کارفرمای آن کارگاه دوخت چادر مسافرتی، ماهی ۱۵ هزار تومان به کبری خانم حقوق می داد که همان را هم با کمال میل تقدیم پدر می کرد تا در آن روزها که کشاورزی کساد بود، رزق خانواده برسد و کمی تشنگی لنگ نماند؛ «آن روزها، حقوقمان به دست خودمان نمی رسید. پدر قبل از اینکه ما حقوق بگیریم، ناچار می شد حقوقمان را تحویل بگیرد و خرج ما و خانواده را بدهد. هیچ وقت خرده ای به او نگرفتیم و به رویمان هم نمی آوردیم؛ خوشحال هم بودیم و حس غرور داشتیم که خانواده با دسترنج ما روزگار را می گذراند.»

● ورشکستگی پدر

سه سال پس از کارگاه کارگاه چادر دوزی، بازار کشاورزی برای پدر آن قدر خراب شد که قصد مهاجرت به مشهد کرد و همسایگی امام رضا^(ع) همان خیری است که کبری خانم در پس تجربه تلخ ورشکستگی پدر از آن یاد می کند. می گوید: به پدر گفته بودند که بازار جوشکاری در مشهد خوب است؛ به همین دلیل هم او دست چند سر عائله اش را گرفت و روانه مشهد شدیم. اینجا فرزندان همه به خانه بخت رفتند و همه چیز به شان را خودشان تأمین کردند. کبری خانم هم ادامه تحصیل داد و در کنار شغل خیاطی، در دانشگاه رشته هنر خواند و بعد هم ازدواج کرد.

● همسر حامی ام است

کار دستی های میخ و نخ روی دیوار کارگاه و خانه اش که از نخ های رنگی شکل گرفته است و در قطرهای زیاد دایره چرخیده اند، گواه علاقه کبری خانم و سلیقه اش در دوخت و دوز است. همسرش هم وقتی علاقه او را به خیاطی می بیند، مانع نمی شود و در حد وسع حمایتش می کند تا زندگی به کام او هم شیرین تر شود. ردخاطرات برای کبری خانم تا روزهای اول زندگی و تولد فرزندانش قدمی کشد؛ همسرش بسیار حامی او بود و می دانست که من عاشق هنر و خیاطی هستم. من هم دوست داشتم حالا که کار او شرکته است و درآمد چندانی ندارد، کمک خرجش باشم و گوشه ای از هزینه ها را بعهده بگیرم. هنرمند کار آفرین محله خاتم الانبیا^(ع) ادامه می دهد: در ابتدای ازدواج فضای خانه کوچکمان، شده بود تا وقتی مشتری هایم، خانه نو عروس شده بود کارگاه خیاطی. در این میان مهلا و ثلثا و زهره را هم یکی پس از دیگری به دنیا آمدند اما من هیچ گاه کار را کنار نگذاشتم. گاهی گل های قالی زیر پارچه ریزه ها و نخ ریزه ها پنهان می شد. اتاق خواب هم جای آموزش دختران و خانم های محل بود. همین که ظهر می شد، نگران حضور همسرم بودم که خسته باید میان نخ ها بنشیند. همین نگرانی ها باعث شد که بخوام کارگاه را از خانه ام جدا کنم و به این ترتیب کلید اولین مزونم را در سی سالگی گرفتم.

● کارگاهی نو مختص خانم های بی سرپرست و بدسرپرست

کبری خانم خودش سختی کشیده بازار و زندگی است؛ به همین دلیل هم قوانین و چارچوب های کارگاهش بر مدار مهربانی و قانون مداری توأمان می چرخد. او با کارگران بسیار مدارا می کند، اما انتظار کار خوب را هم دارد. همین اصول باعث برکت کارش شده است و می گوید: قرار است با حمایت بسیج محله و وامی که برای کار خیر از بانک گرفته ام، در بولوار توس کارگاهی راه بیندازم و این بار قرار است برکت از در دیوار این کارگاه بارد؛ چون برای خانم هایی است که شرایط زندگی شان سخت تر است. ۱۰ چرخ خیاطی خریده ایم و مکان کارگاه را هم دیده ایم و قرار داد بسته شده است. همین روزها افرادی را که در محله با همکاری بسیج محله شناسایی شده اند، پای کار می آوریم تا رزق خودشان و خانواده شان تأمین شود. حالا دیگر مشتری از شهرهای مختلف کشور داریم و تعداد سفارش ها در روز بسیار زیاد است. در این راه، بسیج محله بسیار همراهی کرده و نیمی از کل هزینه ها را عهده دار شده است تا ما بتوانیم در این راه روشن، قدم بگذاریم و به توسعه آن هم فکر می کنیم.



● کوچک ترین خیاط کارگاه

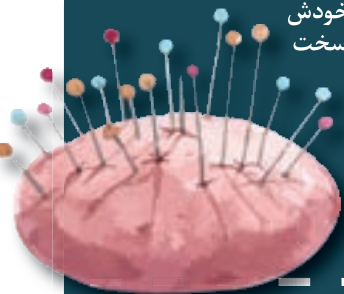
ثنا، دختر کبری خانم، کوچک ترین خیاط این کارگاه شلوار دوزی است. او از هفت سالگی که هنوز پایش به پدال چرخ هانمی رسید، پای چرخ می نشست و خود را با خرده پارچه های مادر سرگرم می کرد. آن اوایل پای میز چرخ می ایستاد تا بتواند پدال را فشار دهد و یکی دو باری هم سوزن چرخ در انگشتانش گیر کرد. بالاخره مادر دلش سوخت و به این همه عشق او به دوخت و دوز توجه کرد و خیاطی را یادش داد. خودش می گوید: اولش که مادر دید عشق من به خیاطی دارد در دسر سازی می شود کنارهای پارچه ها را به من می داد و یادم داده بود که لباس عروسک بدوزم. کم کم که دید دوختن در کارگاه را هم دوست دارم، کارهای بیشتری یادم داد. الان یکی از خیاط های کارگاهش هستم. تابستان ها و عصرهایی که مدرسه ندارم، اینجایم و بیشتر پای چرخ جاد کمه می نشینم. هدف ثنا برای شغل آینده اش، معلمی است اما خیاطی را به عنوان یک علاقه دنبال می کند و می گوید: می خواهم مانند مادرم بتوانم لباس های خانواده را خودم بدوزم؛ چون پوشیدن لباسی که هنر دست خودت است، بسیار لذت دارد.

● برای تأمین جهیز به کارگاه آمدم

پانزده سال است ساکن محله خاتم الانبیا^(ع) است. حالا تک دختر شانزده ساله اش می خواهد به خانه بخت برود و لنگ تأمین جهیز به اش مانده است. دوماه است به کارگاه آمده تا بتواند از دسترنجش کم کم برایش جهیز به جور کند و تک دخترش آبرو مندانه برود سراغ زندگی اش و مستقل شود. زهره خانم می گوید: فعلا کارهای اتوکشی و کارهای کناره را عهده دار هستیم. اما کبری خانم قول داده است که به زودی کارهای دیگر را هم یادم دهد و دخترم را هم بیاموزد که بتوانیم با هم هنر خیاطی را یاد بگیریم و کمک خرچمان نشود. تمام هم و غم این روزهاش در زندگی که با یارانه می چرخد، خوشبختی دخترش است. او حتی برای گرفتن وام ازدواج دخترش هم ضامن ندارد که بتواند آن را بگیرد. همسرش هم کارگر است و مدت ها است به دلیل بیماری بیکار است. همه این پانزده سال را نماز گزار مسجد بوده است اما روی این رانداشته که از کسی کمکی در خواست کند و هنگام همه سختی ها فقط به خدا و ائمه^(ع) رو انداخته است و خودش همه چیز را برایش درست کرده اند.

● از انصراف در دانشگاه فردوسی تا کار خیاطی

تا سال گذشته در تولیدی مانتو کار می کرد و زندگی خودش و مادرش هم از همان حقوق می چرخید. دوره نازک دوزی را هم در سازمان فنی و حرفه ای گذرانده است و مدرکش را هم دارد. محبوبه خاوری از آن دخترهای گل روزگار است؛ دختر هفده ساله ای که دانشگاه فردوسی در رشته مترجمی زبان فرانسه قبول شد، اما از آنجا که پدرش به رحمت خدا رفته و مادرش بیمار بود، از دانشگاه روزانه انصراف داد تا مادر را تر و خشک کند و کمک حالش باشد. با همین هدف هم از کارگاه خیاطی کبری خانم سر در آورده و بسیار مصمم است که از حقوق ۵۴ میلیون تومانی اش هم هزینه های زندگی خودش و مادرش را بدهد و هم بتواند هزینه های درمان مادر را تأمین کند. خودش می گوید: این روزها خیلی سخت می گذرد و آن قدر ذهنم درگیر است که هیچ وقت فکر نمی کنم در آینده قرار است چه اتفاقی برایم بیفتد.



اینجا آلودگی هوا کمتر است

حوالی ساعت ۵ عصر است که خودم را به خیابان شهید فلاحی ۳۸ می‌رسانم. گزارشم را از کوچه شهیدسنجرائی ۶ آغاز می‌کنم که در انتهای آن، بوستان محلی «ترانه» قرار دارد و از آن طرف به خیابان فاطمی ۱۱ می‌رسد. در بدو ورود به پارک، مرد جوانی رامی بینیم که با دو فرزند کوچک و نوجوانش روی نیمکت کنار زمین بازی کودکان نشسته است. خودش را عباس طاهریان معرفی می‌کند و جالب اینکه کارشناس محیط زیست است. اومی گوید: فضای سبز محلات کار کرده‌های زیست محیطی، گردشگری و بیابناختی دارد و از ضروریات جامعه به شمار می‌آید. همچنین این پارک‌های محلی باعث کاهش آلودگی هوا و صدا شده که امروز کمتر در شهرهای بزرگ به آن توجه می‌شود.

عباس آقبادست آرتان روبه روی پارک را نشان می‌دهد و ادامه می‌دهد: من در طبقه چهارم این مجتمع مسکونی ساکن هستم. پنجره‌ها قادی و چشم انداز خانه روبه فضای سبز است. به قول بنگاه‌های املاک، «ویو ابیدی»! فضای سبز، نشیمن مناسب، مکانی برای ورزش صبحگاهی و پارک بازی کودکان در کمترین فاصله از منزل مافراد دارد و این برای ساکنان خیابان شهید فلاحی ۳۸ یک ویژگی مهم محسوب می‌شود.

محلی برای دورهمی شب‌های تابستان

از کوچه شهیدسنجرائی ۶ به کوچه شهیدسنجرائی ۱۰ می‌روم. در این معبر، بوستان محلی «مریم» با امکاناتی مثل پارک بازی کودکان، تجهیزات ورزشی، میز و نیمکت و گل‌آرایی‌های زیبا که در فصل بهار بسیار چشم‌نواز شده است. قرار دارد و البته برای توان‌یابان هم مناسب‌سازی شده است.

خانم میان‌سالی با سه بچه قدونیم‌قد، توجهم را به خودش جلب می‌کند. اعظم کاشانی از برخی کمبودهای این پارک‌ها مثل نداشتن سطوح زباله‌کافی، نبود آب‌خوری و آب‌سردکن، کمبود سرویس بهداشتی و سگ‌گردانی بعضی از اهالی می‌گوید اما معتقد است بودن این پارک‌ها بر سلامت روان و حال خوب شهروندان تأثیر دارد و باعث بهبود روحیه و آرامش بیشتر اهالی می‌شود. او ادامه می‌دهد: با خانم‌های همسایه بعد از نماز مغرب و عشاء به پارک می‌رویم و برخی شب‌ها با خانواده‌هایمان تا پاسی از شب دور هم هستیم. یک وقت‌هایی زیرانداز پهن می‌کنیم و یک فلاسک چای، کمی میوه و تنقلات و یک شام مختصر همراهی می‌بریم. هم‌ما بزرگ‌تراها کنار هم هستیم و هم بچه‌ها با هم سرگرم می‌شوند.

پارک‌های محلی به جای باغ‌های قدیمی

معبر شهیدسنجرائی ۱۰ را به مقصد خیابان شهیدسنجرائی ۱۲ ترک می‌کنم، کوچه‌ای که باز هم من را با یک بوستان محلی دیگر با نام «سوسن» مواجه می‌کند. از نظر امکانات و استقبال اهالی، مانند بوستان‌های محلی در کوچه‌های پیشین است. در این مکان با یکی از کسبه‌گفت‌وگویی کنم که روبه‌روی پارک، بقالی کوچکی دارد. حمیدرضانعیمی هفتاد و پنج‌ساله و از سال ۱۳۷۰ در این کوچه ساکن است. اومی گوید: این پارک خیلی قشنگ است. خدا پدر و مادرشان را بیامرزد. این پارک هیچ اشکالی ندارد. غیر از نداشتن سرویس بهداشتی. خیلی سال‌های قبل اینجا باغ و زمین کشاورزی بود؛ دهه ۶۰ را می‌گویم. بعدها اینجا به زمین‌های بایر و رها شده بدل شد و شب‌ها کلی سگ و لگرد این اطراف پرسه می‌زد. اما از ۱۰ سال پیش ورق به‌طور کل برگشت. از وقتی ساخت و سازها و جمعیت ساکن این کوچه‌ها بیشتر شد، امکانات رفاهی هم گسترش پیدا کرد و این پارک‌ها هم احداث شد.

بوستان‌های محلی خیابان شهید فلاحی ۳۸

بسیاری از مشهدی‌ها را به سکونت در این محله ترغیب کرده است

خیابان شهیدسنجرائی نشان سبز قاسم آباد

رضاری‌اکنون گزارش‌های بسیاری در باره فقر فضای سبز در محلات مشهد و گلابه‌های شهروندان در این باره نوشته‌ایم؛ از اینکه محله‌ای با هزاران نفر جمعیت، حتی یک فضای سبز کوچک محلی هم ندارد. اما این بار می‌خواهیم از خیابانی برایتان بگوئیم که واژه «معبر سبز قاسم آباد» کمترین توصیفی است که می‌توان برایش به کار برد.

از خیابان شهید فلاحی ۳۸ صحبت می‌کنیم. معبری به نام شهیدسنجرائی که در محله لشکر واقع شده است. بدون اغراق در همه فرعی‌های این معبر، بوستان‌های محلی راه‌اندازی شده است؛ بوستان‌هایی که وقتی از بالا و نقشه‌های هوایی نگاه می‌کنید، حالت پلکانی به خود گرفته و از کوچه شهیدسنجرائی ۲ تا شهیدسنجرائی ۱۲ امتداد پیدا کرده است. این خیابان یک محیط آرام است که می‌توانید در آن، کمی از دغدغه‌های تکراری و روزمرگی زندگی خود فاصله بگیرید. اینجا مانند محلاتی نیست که در سال‌های اخیر فقط ساختمان در آن ساخته شده و تا جایی که چشم کار می‌کند، فقط سیمان و آجر باشد.



منطقه

کوچ اختیاری، از بولوار کوثر به شهید فلاحی ۳۸

خیابان شهید فلاحی ۳۸ و محله لشکر، محیطی آرام برای زندگی است؛ شاید به همین دلیل است که عده‌ای از ساکنان این معبر، طی سال‌های اخیر از سایر محلات شهر به این قسمت از محدوده قاسم آباد کوچ کرده‌اند. قاسم عظیمی یکی از این افراد است که سرش در بوستان محلی سوسن نشسته است. عظیمی کارمند شهرداری است و از منطقه ۹ و بولوار کوثر به خیابان شهید فلاحی ۳۸ کوچ کرده است. او معتقد است آرامش و فضای سبز، از عوامل مهم انتخاب محلات برای سکونت است و خیابان شهیدسنجرائی این دو شاخصه مهم را دارد. عظیمی می‌گوید: به هر بنگاه‌املاک که در این حوالی مراجعه می‌کنید، بلافاصله منازلی در خیابان شهید فلاحی ۳۸ و کوچه‌ها و فرعی‌های آن را به شما نشان می‌دهند؛ چون می‌دانند حال و هوا، آرامش و فضای سبز این محله هر شهروندی را جذب می‌کند. قاسم آقبا خنده بیان می‌کند: بعد از من، خانواده‌ها هم می‌روند و ما درم نیز از بولوار سیدرضی به این محله نقل مکان کرده‌اند.

پاتوق ورزش صبحگاهی بانوان

سمت دیگر معبر شهیدسنجرائی و طرف فرعی‌های فرد هم‌کلی پارک بوستان محلی دارد؛ به عنوان مثال در بوستان محلی خیابان شهیدسنجرائی یک، علاوه بر فضای سبز، تجهیزات تفریحی کودکان از جمله سرسره بادی و ترامپولین نصب شده که مورد توجه بسیاری از کودکان قرار گرفته است؛ همچنین بوستان «سنبله» در خیابان شهیدسنجرائی ۳ پاتوق بانوان میان‌سال برای ورزش صبحگاهی است.

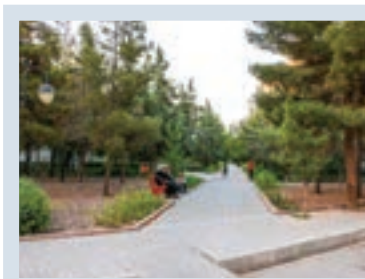
بزرگ‌ترین و مجهزترین بوستان خیابان شهید فلاحی ۳۸، «فدک» نام دارد. بوستانی سه‌هکتاری که علاوه بر تجهیزات ورزشی، سرویس‌های بهداشتی، گل‌کاری‌های زیبا و نشیمن مناسب، آب‌نما و پارک بازی کودکان، دارای یک مجموعه ورزشی روباز چند منظوره است. در این بوستان، یک چمن مصنوعی احداث شده که در این روزهای بهاری و با پایان امتحانات پایان سال بچه‌ها، مملو از جوانان و نوجوانان ورزشکار محله است. علاوه بر این، دو زمین ورزشی روباز دیگر هم در جوار این چمن مصنوعی احداث شده است که برای ورزش‌های هندبال، والیبال، بسکتبال و... کاربرد دارد.

بهناز قادری، بانوی بازنشسته آموزش و پرورش، پای ثابت ورزش صبحگاهی در بوستان فدک است. اومی گوید: مادر یک مجتمع مسکونی بیست و چهار واحدی زندگی می‌کنیم که فقط ۹۰ متر مربع زیر بنا دارد. همسرم نیز بازنشسته و از کار افتاده است. او به سختی راه می‌رود. اگر این پارک‌ها در اطراف ما نبود، همسرم تا الان افسرده شده بود. با اینکه نمی‌تواند خوب صحبت کند، باز هم برای خودش پنج شش رفیق و دوست پیدا کرده است و هر روز عصر با هم اینجا قرار دارند. خود من هم در همین پارک با چند خانم بازنشسته دوست شده‌ام. شاید باورش سخت باشد ولی به دیدار هر روزشان عادت کرده‌ام. همین با هم بودن‌ها به رفت و آمد خانوادگی منجر شده است و گاهی پسران ما با هم به کوه‌نوردی می‌روند؛ یک بار هم با هم راهی سفر شمال شده‌اند.

آینده‌نگری مدیریت شهری در قاسم آباد

«بوستان‌های محلی با توجه به جمعیت محلات و به منظور افزایش سرانه فضای سبز و گسترش کاربری‌های تفریحی و رفاهی احداث می‌شود. از طرفی افزایش بوستان‌های محلی در کاهش آلودگی و تهویه مطبوع هوا، پرکردن اوقات فراغت اهالی، گسترش ورزش همگانی در محلات، زیباسازی مناظر شهری و... اثر دارد.» این‌ها راضیه بختیاری، رئیس اداره شهرسازی شهرداری منطقه ۱۰، به ما می‌گوید و ادامه می‌دهد: مطالعات و جانمایی بوستان‌های محلی در طرح‌های تفصیلی شهری پیش‌بینی شده است و عوامل مهمی در آن دخیل است که از مهم‌ترینش می‌توان به جمعیت محلات، وجود زمین‌های رها شده و... اشاره کرد.

او ادامه می‌دهد: در طرح تفصیلی شهرک لشکر که خیابان شهید فلاحی ۳۸ هم جزئی از آن است، تراکم زیاد برای کاربری‌های مسکونی در نظر گرفته شده است و سازنده‌ها حق دارند تا شش طبقه ساخت و ساز کنند؛ این یعنی افزایش جمعیت در آینده‌های نزدیک، و نیاز بیشتر به انواع کاربری‌های خدماتی که فضای سبز هم بخشی از آن است. بدون شک در نظر گرفتن این میزان از فضای سبز در خیابان شهید فلاحی ۳۸، آینده‌نگری مدیریت شهری برای جمعیتی است که در سال‌های آینده در این قسمت از قاسم آباد ساکن می‌شوند.



توصیه شهید نجاتی به هم‌زمانش در تنگناها یک جمله بود

خدا بزرگ است

اهالی
خاگریز

آزیتا حسین زاده عطارا

هفته گذشته، نخستین

همایش خیران نیک اندیش

رضوی با حضور ۱۵۰۰ خیر از

جای جای کشور در ساختمان شهدای

سلامت خیابان خاقانی برگزار شد. در

این مراسم که به همت فرمانداری مشهد

برگزار شد، خیران مخلصی همچون حاج اکبر

ابراهیمی، غلامعلی رأفتی، محمود مادر شاهیان،

مهدی مروج تربیتی و حاج حبیب... عدالتیان حضور

داشتند و تمبری به نشانه قدر دانی از زحمت هایشان در این

محل رونمایی شد.

همسر شهیدی که خواست گمنام بماند

بین مدعوین همسر شهیدی حضور دارد که پشت تریبون اعلام می‌کنند نه می‌خواهند نامش را ببرند و نه رد و نشانی از او بگویند، امامی خواهد حقوق همسرش تاسی سال وقف کار خیر شود. خیر شاخص حوزه سلامت، حاج حبیب... عدالتیان که به نیابت از دیگر خیران حوزه درمان، روی بسن می‌آید، تأکیدی کند: ما اگر کاری کرده ایم، برای خدا و به خاطر دل خودمان بوده است و من تمایلی ندارم که صحبت کنم. ما کاری نکرده ایم که مردم برای ما دست بزنند. کارمان فقط این بوده است که امانت خدا را به دست اهلش رسانده ایم. در همین مراسم از چوپان و دامداری یاد کردند که دیه فرزندش را که تصادف کرده و از دنیا رفته است، در حالی که فرزند دیگرش مبتلا به تالاسمی است، برای ساخت مدرسه داده است.

در بیست و پنجمین سال تأسیس مجمع خیران مدرسه‌ساز خراسان رضوی به ۵ هزار پروژه ۲۵ هزار کلاس درسی که این مجمع به دانش آموزان اهدا کرده است، اشاره می‌شود. غلامعلی رأفتی، رئیس مجمع خیران مدرسه‌ساز کشور، می‌گوید: طی چند ماه امسال ۱۵۰ کلاس تکمیل شده و در حال راه اندازی است.

آب‌رسانی در ۲۹ استان

پدر آب‌رسانی ایران، حاج اکبر ابراهیمی، هم‌در این نشست حضور دارد. البته او به جز فعالیت در حوزه آب‌رسانی به نقاط محروم، در عرصه مدرسه‌سازی و صنعت هم دستی بر آتش دارد.

اوطی سال‌ها به بیش از ۲ هزار و ۶۸۰ نقطه محروم در ۲۹ استان ایران آب‌رسانی کرده است. تعبیر خودش این است: آن‌هایی که نیاز داشتند، من را رساندند به تأمین آبی که مهر حضرت فاطمه (س) است. حالا قول هائیم برای تأمین آب در هر جای کشورمان بیشتر شده است، هر جا که آب را یاد به می‌برند، من صد در صد پروژه آب آنجا را عهده‌دار می‌شوم. تا سقف ۱۴۰ میلیون تومان هم برای هر روستا در نظر گرفته ایم و بیشتر از این مبلغ را هم انجام می‌دهیم.

۱۴ هزار متر مربع سالن ورزشی به نام مروج

مروج تربیتی هم از خیران شاخص در حوزه ورزش است. اوطی سه سال فعالیتش فضاهای ورزشی بسیاری ساخته و ۱۴ هزار متر مربع سالن استاندارد در حد برگزاری مسابقات بین‌المللی احداث کرده است. می‌گوید: ضرورت دارد کنار هر مدرسه، فضای ورزشی خوب هم در نظر گرفته شود. در این مراسم از تمیر یاد بود خیران رونمایی شد.

آزیتا عطارا تاسرو کله‌اش پیدامی شد، همه با تبسم می‌گفتند، خدا بزرگ، آمد! قصه این بود که بین رزمندگان هاجر کس در تنگنا و سختی می‌افتاد، وقتی ما جرایش را به اومی گفت، فقط این جمله را می‌شنید که، خدا بزرگ است، آن قدر این عبارت را با اعتقاد و اعتماد به زبان می‌آورد که نامش به شوخی همان عبارت شده بود. طاهره لار کرمانی، همسر شهید نجف نجاتی طرقی، روایتگر باورها و اعتقادات و منش او در دوران پیش از شهادتش است.

وصیت نامه را به دست دختر هفت ساله‌مان داد

بار اول که وصیت نوشت آن را دست من داد. خواندنش آن قدر برای من رنج آور بود که دائم گریه می‌کردم. وقتی دید این قدر دل‌نازک شده‌ام، وصیت نامه را پاره کرد. ولی روزی که در خانه نبودم، مجدداً وصیت نامه‌اش را نوشته بود و آن را به دست دختر هفت ساله‌مان داد. بود و او هم امانتی پدرش را لایه لایه ورقه‌های کتابش مخفی و بعد از شهادت پدرش، آن را رو کرد. همیشه می‌گفت انسان در دنیا مسافر است و اگر زاد و توشه‌ای همراه داشته باشد، سفر آرامی دارد و در غیر این صورت باید متحمل سختی بسیار شود. یک بار عید نوروز نزدیک بود و می‌خواست عازم جبهه شود. از او خواستم عید را نزد من و فرزندش بماند، ولی او گفت: «برای همه رزمندگان عید است. پس همه منطقه را ترک کنند و جنگ تعطیل شود و بروند کنار خانواده هایشان؟! تکلیف ریشی که گرو گذاشتم، چه می‌شود؟ قلابی است؟! او فرمانده پنج تانک بود و از ناحیه کتف مورد اصابت گلوله قرار گرفت. هم‌زمانش در صدد بودند که او را به پشت خط منتقل کنند، ولی خودش موافقت نکرد و نظرش این بود که اگر او نباشد، زیر مجموعه‌اش اسیر خواهند شد. عصر همان روز، گلوله‌ای به قلبش اصابت کرد و بر اثر شدت جراحت هابه شهادت رسید. او بر این عقیده بود که آدم‌های خوب پس از مرگ شناخته می‌شوند.

آقا نجف پیش از انقلاب با اینکه در ارتش شاهنشاهی بود، هیچ کس از پس او بر نمی‌آمد و مدام اعلامیه‌های رهبر انقلاب را پخش می‌کرد. زمزمه‌های انقلاب که به گوش رسید، نیت کرد که امام و اهداف انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسد اما استعفا‌های پی‌درپی او با جواب منفی رده‌های بالاتر ارتش مواجه می‌شد و تبعات سختی برایش داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش برایش معنای وفاداری به انقلاب و وفاداری برای حفظ آرمان‌های انقلاب را پیدا کرد و برای بازسازی توان ارتش دوباره به آن پیوست و در واحد عقیدتی سیاسی مشغول کار شد.

نجف نجاتی طرقی با شروع جنگ تحمیلی مشتاقانه خود را برای خدمت به جبهه‌های نبرد رساند. او همیشه از شهادت صحبت می‌کرد و می‌دانست شهید می‌شود تا اینکه در عملیات مسلم بن عقیل به آرزوی رسید.

نام: نجف نجاتی طرقی

سال تولد: ۱۳۱۸ / سال شهادت: ۱۳۶۱

محل شهادت: منطقه سومار

(عملیات مسلم بن عقیل)

سمت در ارتش: فرمانده تانک

عیانگاه

رونمایی تمیر
خیران برگزیده نیک‌اندیش
در همایش خیران کشورامانت خدا را
به اهلش رسانده ایم

منطقه

۹



منطقه

۱۰

محلات منطقه ما:

۹: نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیرو هوایی، آب و برق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس و ولی عصر (ع)

۱۰: رازی، استاد یوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیا (ص) و میثاق

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۹ و ۱۰: رضا ریاحی
تلفن شهرآرا محله منطقه ۹: ۳۸۸۳۸۸۵۲
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۰: ۳۶۶۲۹۴۸۰

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ۹: بولوار وکیل آباد، ابتدای بولوار هاشمیه
دفتر منطقه ۱۰: نبش استاد یوسفی ۱۳ فرهنگسرای خانواده
پست الکترونیک: mahalle9@shahrara.ir
mahalle10@shahrara.ir
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



کوچه حسین شیرازی

بزرگراه پیامبر اعظم (ص) است. این خیابان از یک طرف به خیابان شهید حشمتی و از طرف دیگر دیگر به خیابان حمای می‌رسد و از آنجا به بولوار توس و بزرگراه پیامبر اعظم راه دارد. در این خیابان انواع کاربری آموزشی، درمانی، فضای سبز و تجاری قرار دارد و به خاطر مغازه لبنیاتی حسین آقای مهدوی به کوچه «حسین شیرازی» معروف است.

رضاریاحی | خیابان شهید حشمتی ۵ یا همان خیابان شهید بهدگانی شاید پررفت و آمدترین معبر محله امام هادی (ع) باشد؛ خیابانی که بازار محله‌اش در این محدوده معروف است و در آن از شیر مرغ تا جان آدمیزاد پیدا می‌شود. معبر شهید حشمتی ۵ یک میان‌بر برای فرار از ترافیک عصرگاهی خیابان‌های پرتردد بولوار توس و

خیابان حشمتی ۵ (شهید بهدگانی)

محله امام هادی (ع)



بوستان بنفشه بیش از یک هکتار وسعت دارد. زمین بازی کودکان، نشیمن مناسب، آلاچیق، مسیرهای پیاده‌روی و تجهیزات ورزشی بخشی از امکانات این بوستان محلی است. در این پارک، به زودی سرسره بادی و ترامپولین هم برای تفریح بچه‌ها نصب خواهد شد.



پایگاه سلامت شهری سینا خدماتی مانند واکسیناسیون کودکان، تست قند، کنترل فشار خون و دیابت به اهالی ارائه می‌کند و از حضور پزشکان عمومی و متخصص بهره می‌برد.

بوستان خطی لادن در سمت چپ خیابان بهدگانی واقع شده که علاوه بر داشتن تجهیزات ورزشی و گل‌آرایی چشم‌نواز، محیطی دل‌نشین برای پیاده‌روی اهالی است.

لبنیاتی آقای مهدوی در خیابان بهدگانی سه نسل قدمت دارد. اوایل دهه ۶۰ حاج حسین مهدوی این دکان لبنیاتی را در بحرآباد قدیم راه‌اندازی کرد و به خاطرش این معبر را با نام «کوچه حسین شیرازی» می‌شناسند. تا مدت‌ها در قبوض آب و برق و گاز درج می‌شد: بحرآباد، کوچه حسین شیرازی....

